

« اشعار و ترانه های محلی منطقه دوسیران استان فارس »

دکتر هدی عرب زاده^۱

عهديه رئيسی^۲

چکیده

ترانه ها و اشعار محلی یکی از عناصر مهم فرهنگ بومی به شمار می آید. این ترانه ها که عمدتاً قالب روایت گونه ای دارند، کارکردهای مختلفی در زندگی ساکنان منطقه دارند. با دقت در اجزا و ساختار این ترانه ها، بسیاری از مشخصه های اجتماعی و فرهنگی مردمان منطقه آشکار می شود

در پژوهش حاضر نگارندگان در قالب یک بررسی میدانی، نسبت به جمع آوری ترانه های منطقه دوسیران استان فارس اقدام نموده اند. این منطقه از نظر جغرافیایی، در بخش کوهمره شهرستان کازرون واقع در استان فارس است. نگارندگان پس از گردآوری و نگارش ترانه ها، بنابر موضوع و مضمون هر ترانه به طبقه بندی آن پرداخته اند و سپس آوانگاری و برگردان فارسی هریک از ترانه ها را نیز آورده اند. در این بین طیف متنوعی از ترانه ها دیده می شود، از زمزمه های زنان در هنگام کار تا اشعاری که در مراسم عروسی خوانده می شود.

واژگان کلیدی: فرهنگ بومی، ترانه ها و اشعار محلی، دوسیران و کوهمره.

^۱ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولایت

^۲ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

مقدمه

فرهنگ بومی مناطق مختلف، از عناصر مختلفی تشکیل می‌شود که یکی از مهمترین آن، اشعار و ترانه‌های محلی است. در گذشته نه چندان دور، برای حفظ و مطالعه چنین ترانه‌هایی ارزش چندانی قائل نبودند و در مقابل اشعار رسمی، توجه چندانی به این نمونه اشعار نمی‌کردند؛ اما طی چند دهه اخیر، توجه و اهتمام ویژه‌ای نسبت به گردآوری و تجزیه و تحلیل ترانه‌های محلی شکل گرفته است. این ترانه‌ها به دلیل محتوای مضمونی بسیار غنی و متنوع و همچنین ارتباط مستقیم با زندگی و فعالیت سرایندگان از اهمیت والایی برخوردار است.

در مورد منشأ و چگونگی شکل‌گیری اشعار و ترانه‌های عامیانه و محلی، نمی‌توان با قطعیت سخن گفت؛ تنها با تکیه بر نشانه‌هایی، ممکن است تاریخ تقریبی پدید آمدن آن به دست آید. این اشعار و ترانه‌ها در بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان ریشه دوانیده است؛ به عنوان مثال، افراد حتی در ضمن کار، به مقتضای احوال خود، اشعاری بر زبان می‌رانند تا با این اشعار، خستگی کار را از خود دور کرده باشند. ترانه‌های محلی، نغمه‌هایی برخاسته از ذهن و زبان عوام است. صادق هدایت، ترانه‌ها، مثل‌ها و افسانه‌ها را نماینده‌ی روح ملت می‌شناسد و آن را نشأت گرفته از مردم گمنام بی‌سواد می‌داند. او می‌گوید: «این ترانه‌ها، صدای درونی هر ملتی است». هدایت ترانه‌های عامیانه را هنر کاملی ارزیابی می‌کند و شرایط کلی هنر را در آن‌ها می‌یابد، و آن را سرچشمه‌ی بکری، مخصوصاً برای تصنیف‌های موسیقی می‌شناسد» (هدایت، 1334:349). او معتقد است «ترانه‌های عامیانه به وسیله‌ی اشخاص سروده شده و خود به خود ایجاد نگردیده‌اند ولی آثار پر رمز و رازی وجود دارد که ترانه‌ی عامیانه از آن جمله است» (همان: 350)

اشعار و ترانه‌های عامیانه مانند اشعار رسمی شاعران دارای قالب شعری مشخصی نیست؛ با این وجود برخی از نویسندگان تقسیماتی را برای آن در نظر گرفته‌اند که از جمله‌ی آن‌ها، بهار است. تقسیمات شعری که بهار برای هم اشعار رسمی و هم اشعار عامیانه در نظر می‌گیرد از قرار زیر است. 1 سرود 2 چامه 3 ترانگ 4 ضرب‌المثل و حکمیات (بهار، 1351:126). از طرف دیگر، همانطور که اشاره شد، اشعار عامیانه نیز مانند دیگر مصادیق فرهنگ عامه فقط خاص یک فرهنگ مشخص نیست؛ بلکه فرهنگ‌های مختلف به نوبه‌ی خود دارای اشعار و ترانه‌های عامیانه‌ی متفاوتی است که اغلب به زبان محلی آن‌ها سروده می‌شود.

اشعار و ترانه‌های محلی، به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای فرهنگ، نمایشگر ابعاد گوناگونی از زندگی مردمان مناطق مختلف است. در واقع با مراجعه به ترانه‌های هر منطقه، هویت فردی و اجتماعی، ساختار ذهن و روان و خلیات و رفتار مردمان آن ناحیه را می‌توان به خوبی درک کرد. در پژوهش حاضر ترانه‌های محلی دوسیران با تکیه بر روایت هرمز و کورش رئیسی و شماری از اهالی و ساکنان منطقه ارائه می‌شود.^۱ منطقه دوسیران از نظر جغرافیایی، دربخش کوهمره شهرستان کازرون واقع در استان فارس است و از طرف جنوب با روستاهای گرگدان و پاپون و از شمال با بنرود، ده بابا و کلاه سیاه همجوار است.

اشعار و ترانه‌های عامیانه بسیاری میان مردمان دوسیران رواج دارد. آنان اغلب شعرهای خود را به گویش دوسیرانی می‌سرایند و گاه از زبان فارسی نیز برای سرودن کمک می‌گیرند و کلمات و واژگان فارسی را در اشعار خود به کار می‌برند. اشعار دوسیرانی موضوعات متنوعی را در برمی‌گیرد؛ از فعالیت‌های روزانه گرفته تا توصیف اشیاء و اماکن و... در دوسیران اغلب سالخوردگان، گنجینه‌ی ارزشمند این اشعار هستند و شعر و ترانه‌های مختلفی را در خاطره خود حفظ نموده‌اند. علاوه بر آن هر جوان مستعد در زمینه شعر و شاعری نیز با توجه به این اندوخته ارزشمند با سرودن اشعاری، با همان مضامین رایج، به غنای این مجموعه می‌افزاید.

نکته ای که در اینجا -پیش از ورود به مبحث اصلی - قابل ذکر است، موضوع نوع منابع در مطالعه حاضر است. یک پژوهشگر حوزه فرهنگ، به منظور تدوین و گردآوری عناصر مختلف فرهنگ بومی مناطق مختلف، ناگزیر از مراجعه به منابع شفاهی و یا محدود اسناد مکتوب موجود است. در چنین مطالعه ای اشخاص و محفوظات آنان به عنوان سند دست اول شناخته می‌شود؛ به همین دلیل جنس و نگاه چنین مطالعاتی به مسائل فرهنگی با سایر پژوهش‌ها متفاوت می‌نماید.

1- موضوع و مضمون ترانه‌ها

با توجه به مهم‌ترین موضوعات و مضامین، ترانه‌های دوسیرانی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. اشعار و ترانه‌هایی که مبتنی بر فعالیت‌های روزانه افراد است و در آن خصوصیت اقلیمی بسیار پررنگ است؛ چرا که ترانه‌های مزبور با توجه به شرایط محیطی شکل گرفته است.

1-1- ترانه‌های مبتنی بر فعالیت‌های روزانه

در این دسته از ترانه‌ها با سروده‌هایی مواجه می‌شویم که زنان دامدار در حین مشک زنی و درست کردن کره زمزمه می‌کنند و یا اشعاری که ضمن جمع‌آوری انجیر می‌خوانند که بازهم مرتبط با مختصات جغرافیایی منطقه و اقلیم خاص دوسیران است.

1-1-1- اشعاری که زنان دامدار به هنگام مشک زنی و درست کردن کره می‌خوانند:

holongodu holongodu	هلنگدو هلنگدو
hamaš kara ye peca du	همش کره یه پچه دو
hamqa si kocake câlamu	همقه سی کچک چالمو
bafta ati piyâlamu	بفته اتی پیالمو
ali yâr maške malâr	علی یار مشک ملار

duqeš beza karaša darâ

دوغش بزه کرش درار

هل دادن دوغ، هل دادن دوغ

الهی همه ی دوغ ها کره شود و ذره ای دوغ بماند

کمی از کره برای کچک چاله ی ما

در پیاله ی ما بیفتند

الهی که حضرت علی یاری مشک ملار ما بکند

تا ما دوغ را تکان دهیم و کره ی آن را دربیوریم

1-1-1- شعری که در هنگام جمع کردن انجیر می خوانند:

در این ترانه- که در تناسب با اقلیم منطقه نیز است- نوعی تهییج برای بسیج عزم و اراده گروهی را می توان دید. نوع
تنبیهی که برای شخص مسامحه کار در نظر گرفته می شود نیز جالب است، چراندن گاو، که آن نیز رنگی از شرایط منطقه را
دارد.

hoy yâllâ vo hoy yâll a

هی یالا و هی یالا

nume xodâ mâšâlla

نوم خدا، ماشالا

barakate seydo šohadâ

برکت سیدالشهدا

bokon atuš išâll â

بکن اتوش ایشالا

har ki vâmune

هرکی وامونه

zane gâmune

زن گامونه

cuqi be dasteš

چوغی به دستش

gâyal mirune

گایل می رونه

معنی: یا الله و یا الله

به نام خدا، ماشالله

الهی که برکت حضرت سیدالشهدا

در آن (انجیر) قرار دهد

هر کس که عقب بماند

زن گاوچران است
وباید چوبی در دست بگیرد
گاوها را براند

1-2-1- اشعار وصفی

دسته دیگری از ترانه ها، اشعاری است که در وصف منطقه، فرد یا اشیایی سروده شده است. در این مجموعه با ترانه هایی در وصف دوسیران و کودکان روبرو می شویم.

1-2-1- وصف دوسیران

yâde oštor xoso yâde toktoku یاد اشتر خوس و یاد تکتکو

yâde afto gah bome anjire gotu یاد اف تو گه بم انجیر گتو

yâde mantilo kanetar yâde xar یاد منتیل و کنهتر یاد خر

yâde dardo yâde molo yâde gar یاد درد و یاد مل و یاد گر

yâde dasmâl yâde orsi rabani یاد دسمال یاد عرسی ربنی

yâde lavda yâde kahlo câr man یاد لوده یاد کهلو چار منی

yâde kare nârako yâde bozal یاد کهر نارک و یاد بزل

yâde komšî nâlani yâde rozal یاد کمشی نالنی یاد رزال

yâde cu tupa ati murak baxer یاد چوتوپه اتی مورک بخیر

yâde nâro gerduo kahlak baxer یاد نارو گردو و کهلک بخیر

yâde mahjamuliyo zire dovâr یاد محمولی و زیر دوار

yâde bozi kelbard sare sovâr یاد بوزی کلبرد سر سوار

yâde maško du vo dulak yâde o یاد مشکو دو و دولک یاد او

yâde kura yâde bâštak yâde lo یاد کوره یاد باشتک یاد لو

yâde câla yâde odâqak baxer

یاد چاله یاد او داغک بخیر

yâde lisak yâde bu nâšak baxe

یاد لیسک یاد بو ناشک بخیر

معنی: یاد اشترخوس و یاد تکتکو بخیر باشد

وهمچنین یاد افتوگه و درخت انجیر بزرگ

یاد منتیل و کنهتر و یاد الاغ ها

یاد درد و مال و گر

یاد دستمال و یاد کفش ربنی

یاد لوده و کهلو چهارمنی

یاد بزغاله‌ی قهوه ای و یاد دیگر بز ها

یاد انگور کمشی و نالنی و درختان انگور

یاد بازی چوتوپه در موردک

یاد انار و گردو و کهل بخیر

یاد محمولی و زیر دیوار

و یاد بازی کلبرد

یاد مشک و دوغ و دولک و یاد آب

یاد کوره و باشتک و یاد سایبان ها

یاد چاله و غذای اداغک

و یاد لیسک و بوی ناشک بخیر باشد

1-2-2-وصف کودک

cen abarot cen abar

چن ابرت؟ چن ابرت؟

korke samuren abarot

کرک سمورن ابرن

cen abarot cen abar

چن ابرت؟ چن ابرت؟

lamsuke sabzen abar

لمسوک سبزن ابرت

cen abarot cen abar

چن ابرت؟ چن ابرت؟

yâlake širen abarot

یالک شیرن ابرت

معنی: چه چیزی بر تنت است؟ چه چیزی بر تنت است؟

کرک سمور است که بر تن داری

چه چیزی بر تنت است؟ چه چیزی بر تنت است؟

لمسوک سبز است که بر تنت است

چه چیزی بر تنت است؟ چه چیزی بر تنت است؟

یال شیر است که بر تنت است

3-1- ترانه‌های عروسی

در این دسته از ترانه‌ها، اشعاری به مناسبت مراسم عروسی خوانده می‌شود که از بین آن می‌توان به شعر لباس و سروک اشاره کرد. سروک ترانه‌ای است که در هنگام ورود عروس و داماد خوانده می‌شود.

1-3-1- شعر لباسⁱ

ây gole pâ cenârim

آی گل پاچناریم،

ce mixe asit biyârim

چه میخی اسیت بیاریم؟

tombun âvordom pâ nake

تمبون آوردیم پا نکه

juma âvordom bar nake

جومه آوردیم بر نکه

hima âvordom taš nake

هیمه آوردم تش نکه

leštom ru tâqca seyleš nake لشتم رو طاقچه سیلش نکه

ây gole pâ cenârim آی گل پا چناریم

ce mixe asit biyârim چه میخی اسیت بیاریم؟

cârqad âvordom bar nak چارقدا آوردم سر نکه

arxalaq âvordom bar na ارخلق آوردم برنکه

gušvâre âvordom guš nake گوشواره آوردم گوش نکه

leštom ru tâqca seyleš nake لشتم رو طاقچه سیلش نکه

qâbe qoân bastom sare baqaleš قاب قران بستم سر بغلش

bâ salavateš bar be با صلواتش بر بکه

ây gole pâ cenâr آی گل پاچناریم

ce mixe asit biyâ چه میخی اسیت بیاریم؟

معنی: ای گلی که اندامت به بلندی درخت چنار است

چه چیزی میخواهی که برایت بیاوریم

شلوار آوردم اما نپوشید

پیراهن آوردم اما نپوشید

هیزم آوردم ولی آتش نزد

بر روی طاقچه گذاشتم اما نگاهش نکرد

ای گلی که اندامت به بلندی درخت چنار است

چه چیزی میخواهی که برایت بیاوریم

روسری آوردم نپوشید

ارخلق آوردم نپوشید

گوشواره آوردم نپوشید

بر روی طاقچه گذاشتم نگاهش نکرد

قاب قران را بر بغلش بستم

با صلوات آن را پوشید

ای گلی که اندامت به بلندی درخت چنار است

چه چیزی میخواهی که برایت بیاوریم

1-3-2- سروک

سروک به ترانه هایی اطلاق می شود که در هنگام ورود عروس و داماد خوانده می شود. در جای جای این ترانه نیز حضور پررنگ عناصر اقلیمی را می توان مشاهده کرد. اشاره به کوه و دشت و رودخانه و به رستنی هایی نظیر زیره و ذرت و گل انار را می توان به عنوان نمونه هایی از مشخصه های اقلیمی در نظر گرفت. ضمن آنکه در حین توصیفات مختلف با تشبیه ابرو به دم مار - که به نظر تصویر غریبی است - روبرو می شویم که خود نشان دیگری از تأثیر محیط بر تصورات و نوع ذوق زیباشناسانه اهالی منطقه است.

تنگ داوت کیش بلند که؟ کی و کی بی پشت سرش؟

ناز باله شیر دوما واسپاه و لشکرش

Tonge davit kiš boland ke ki vo ki bi pošt sareš

Nâza bale šira dumâ va sepâho laškareš

معنی: هیزم عروسی را چه کسی بلند کرد؟ و چه کسانی پشت سرشان بود؟

ناز برای شیر داماد و سپاه و لشکرش باشد.

• زیره کفتم زیره بختم خک زیره ریم نشست

ناز باله شیره دوما روز اچاروه کو نشست

Zira koftom zira boxtom xake zira vam nešast

Nâza bale šira dumâ ruz a carve koh nešast

معنی: زیره را پودر کردم و آن‌ها را الک کردم و خاک زیره بر روی من نشست

ناز برای شیر داماد که خورشید که مانند چارپایی بود به پشت کوه رفت

• زیر دهمو پشت دهموکشت و کار ذرتن

ناز باله شیر دومامثل کاغذ خط خطن

Zire demu pošte demu kešto kêre zoraten

Nâza bale šira duma mesle kêqaz xat xaten

معنی: در پایین و بالای روستامون کشت و کار ذرت است

ناز برای شیر داماد که مانند کاغذ خط دار است

• بال خونه شیر دوماری و قبله چل ستون چل پنجره

توش نشسته شیر دوماواطلسم زلزله

Bâle xune šira dumâ cel sotun cel penjera

Tuš nešaste šire dumâ vâ telesme zelzele

معنی: بالا خونه‌ی شیر داماد رو به قبله و دارای چهل ستون و چهل پنجره است

و در درون آن شیر داماد و طلسمش نشسته

• دم خونه خانم عاروس آب رسنی رد همیشه

سنگ بری پل هینی خانم عاروس رد همیشه

Dame xune xânom ârus âbe rosin rad miše

Sang bari pol hobani xânom ârus rad miše

معنی: جلوی خانه‌ی عروس خانم رودخانه‌ای رد می‌شود

سنگی بیاورید و بر روی آن رودخانه پلی ببندید که عروس رد شود

• هوی زنل کشون کشون پی عیش رودمو

کل بگی سروک بگی سی ملک دومادمو

Hoy zanal kešun kešun peye eyše rudemu

Kek bogi soruk bogi si malek dumâdemu

معنی: آی زن‌ها کشان کشان دنبال خوشی عزیز من باشید

کل و سروک بگوئید برای داماد پادشاه ما

• داوتش در عین صحراخوش بهون نرم می زنه

مادرش سرکار مروت خواهرش کل می زنه

Dâvateš dar eyne sahrâ xoš bohon narm mizane

Mâdareš sarkâre morvat xâhareš kel mizane

معنی: عروسیش در دشت و صحرا و آهنگ ملایمی می‌زند

مادرش سرور جوانمردی و خواهرش کل می‌زند

• چشم عاروس چون ستاره ابروش چون دمب مار

رنگ گل ناریت بنازم زلف مشکى در کنار

Cešme ârus con setâra abrovoš con dombemâr

Range gol nârit benâzom zolfe meški dar kenâr

معنی: چشم عروس مانند ستاره و ابروهایش مانند دم مار است

بنازم به رنگ مانندگل انارش و گیسوی مشکیش که در بغلش است

• خانم عاروس لچ مکو بل چادر کچ مکو

شیخ که اومد اذن بسونه ری بزرگون پس مکو

Xânom ârus laj maki bale câdor kaj maki

Šeyx ke umad ezn besune ri bozorgun pas mako

معنی: عروس خانم لجبازی نکن و گوشه‌ی چادرت را کچ نکن

وقتی که شیخ آمد از تو اجازه بگیرد روی بزرگان را پس نزن

• دایی جونی دایی جونی ای پس دوما بکو

ای پس خرجی نداره پا بزن پیداش بکو

Dâyi juni dâyi juni I posa dumâ book

I posa xarji nadâre pâ baza pedâš boko

معنی: مادر جان مادر جان، این پسر را داماد کن
این پسر خرجی ندارد بلند شو و همسری برایش پیدا کن

• مله بالو مله دومن بیو که مله ما داوتن
از بزرگی شیر دوما شیر گامون شربت

Male bâlo male duman biyo ke male mâ dâvaten

Az bozorgi šira dumâ šire gâmun šarbaten

معنی: محله‌ی بالا و محله‌ی پایین بیایید که محله‌ی ما عروسی است
و از بزرگی داماد شیر شیر گامان شربت شده است

1-4-1- بازی و سرگرمی

به طور معمول ترانه‌هایی که با نوعی فعالیت همراه است، صیغهٔ پویاتری نسبت به سایر اشعار دارند، به خصوص که این فعالیت جنبهٔ سرگرمی و بازی نیز داشته باشد. در ترانهٔ «اتل متل» دوسیرانی، ظاهراً با ترانه‌ای روبرو می‌شویم که ناظر بر روایتی تاریخی است. اشاره به اشخاصی نظیر خواجه، احمد و برادر نظر و واقعهٔ جنگ و کم شدن گله همه بر فرضیهٔ تاریخی بودن روایت دلالت دارد. نکتهٔ حائز اهمیت آن است که ترانهٔ مشهور «اتل متل» با این روایت سخنیتی ندارد.

1-4-1-1- اتل متل

atalak gol matalak

اتلک گل متلک

xâjeje mâ mitalabad

خواجه ی ما می طلبد

az kâri az bâri

از کاری از باری

pošte qalam dasmâli

پشت قلم دستمالی

e ahmadi june korot

ای احمدی جون کرت

to tiša vardâr mo tuvar

تو تیشه وردار مو تور

berim va jange kânazar

بریم و جنگ کانظر

kânazar hey ke hoy ke

کانظر هی که هو که

galleye šâh ram ke

گله ی شاه رم که

sivo se tâ kam ke

سی و سه تا کم که

to va šâhe mardune

تو و شاه مردونه

ye poye digaš vâgardune

یه پوی دیگش واگردونه

معنی: اتلک گل متلک

خواجہی ما تورا می طلبد

برای کاری و برای باری

پشت قلم دستمالی

ای احمدی جان پسرت

تو تیشه را بردار من تبر را

بریم به جنگ برادر نظر

برادر نظر هی کرد هو کرد

گلهی شاه رم کرد

سی و سه تا از آن‌ها کم شد

تورا به شاه جوانمرد قسم

یکی از پاهایش را جمع کند

نتیجه گیری

بنابراینچه گذشت، گوشه ای از ترانه ها و اشعار محلی منطقه دوسیران از توابع کوهمره استان فارس در این مجموعه گردآوری، طبقه بندی، آوانگاری و به فارسی برگردانده شد. مطابق موضوع و مضامین، ترانه ها در چهار دسته طبقه بندی شدند که عبارتند از 1- ترانه های مبتنی بر فعالیت روزانه، که در این بخش اشعار زنان دامدار در هنگام مشک زنی و درست کردن کره و ترانه جمع کردن انجیر گنجانده شد. 2- اشعار وصفی شامل وصف دوسیران و توصیف کودک. 3- ترانه های عروسی شامل لباس و «سروک» (ترانه ورود عروس و داماد). 4- بازی و سرگرمی که حاوی ترانه «اتل متل» است.

موضوع قابل توجه در میان این ترانه ها، نقش اقلیم و جغرافیای منطقه است؛ چنانکه در عمده ترانه های مزبور، مصادیقی مرتبط با اقلیم و شرایط محیطی منطقه مشاهده می شود، از انواع رستنی ها نظیر درخت چنار و انجیر و انگور و انار و زیره و

ذرت گرفته تا احشام همچون بز و گاو و نواحی اطراف مانند رودخانه و دشت و صحرا. ابزار های بکار رفته در اشعار نظیر تیشه و تبر و الک نیز در ترسیم فضا مؤثر است؛ تصاویر تشبیهی و بلاغی نیز با محوریت اقلیم شکل گرفته است؛ چنانکه با تشبیه بدیع ابرو به دم مار روبرو می شویم. در جای جای ترانه ها، اشارات متعدد به شخصیت های دینی و مذهبی، گرایش و معتقدات مردم منطقه را منعکس می کند.

پانوشت

- ⁱ- کورش رئیسی کتابی تحت عنوان *نغمه‌های تنهایی* به چاپ رسانیده است.
ⁱⁱ- این ترانه به صورت دسته جمعی خوانده می شود.

منابع شفاهی

- 1- داوود دهقان
- 2- سردار کریمی
- 3- شاه پری عزیزی
- 4- شاه ولد عزیزی
- 5- شیروان ریسی
- 6- غلامرضا نادری
- 7- قمصور نادری
- 8- مشهدی ریحان ریسی

کتاب ها

- بهار، محمدتقی ملک الشعراء (1351). *بازگشت ادبی در بهار و ادب فارسی*، به کوشش محمد گلبن، جلد 1، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- هدایت، صادق. (1334) *نیرنگستان*، تهران، امیر کبیر .